

# تحقیقی پیرامون اهدای ثواب به ارواح اموات

بخش پادانی

پیر عبدالعزیز نعمانی

مسلم تصبیبه مصیبة فیقول ما أمر الله به «أنا لله و أنا الیه راجعون» اللهم أجرنی فی مصیبتی و اخلف لی خیراً منها؛ الا اخلف الله له خیراً منها؛<sup>(۱)</sup> هر مسلمانی که دچار مصیبتی شود و بگوید آنچه را که خداوند متعال به آن امر کرده یعنی بگوید «أنا لله و أنا الیه راجعون»، سپس دعا کند که بار الها! اجر این مصیبت را نصیبم بگردان و به جای آن بهتر از آن به من عطا فرما؛ خداوند پاداش مصیبت او را قطعاً خواهد داد و بهتر از آن را نصیبش خواهد نمود.

شیوه و رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و سایر بزرگان صحابه و صالحان امت اسلامی نیز در هنگام مصیبت، توصیه به صبر و تسلی دادن به عزاداران بوده است، به طوری که آن حضرت صلی الله علیه و سلم وفات خویش را بزرگترین مصیبت برای امت خود خوانده و فرموده است: «إذا أصاب أحدكم مصیبة فلیذكر مصیبتة نبی فانها أعظم المصائب»<sup>(۲)</sup> هرگاه به یکی از شما مصیبتی رسید، مصیبت (وفات) مرا به یاد آورد، زیرا آن بزرگترین مصیبت ها است. با توجه به توصیه های مؤکد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به صبر و شکیبایی در هنگام وفات خویشاوندان و عزیزان، امروزه شاهد برگزاری بسیاری از مراسم و ترویج انواع بدعات و خرافات به نام دین در میان مردم مسلمان هستیم که در حقیقت هیچ گونه ارتباطی با دین مبین اسلام ندارند و به جای آنکه اجر و پاداش را نصیب کسی بگردانند بالعکس نوعی گناه محسوب می گردند. از این رو مؤمنان راستین و متبعان واقعی اسلام موظف اند تا در هر موقعیتی اعمال خویش را با روش حسنة رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مطابقت

قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم اساسی ترین منابع دین اسلام به شمار می آیند که درباره نیازهای بشری، اعم از مسائل اعتقادی، عبادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی بحث می کنند و به انسان مؤمن برنامه جامع زندگی ایده آل را ارائه می دهند. از همین رو مؤمنان راستین در تمام شئون زندگی و مراحل حیاتشان دستورات قرآن و پیامبر را سرلوحه زندگی خویش قرار می دهند بدون آنکه در باور آن دچار شک و تردید شوند و یا آنکه سایر روشها و راهکارها را در جهت سرنوشت انسان موفق بدانند، چنانکه خداوند می فرماید: «انما کان قول المؤمنین اذا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و اطعنا و أولئک هم المفلحون»؛ مؤمنان راستین هرگاه به اطاعت از خدا و پیامبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند، سخنشان تنها این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و رستگاران واقعی اینانند (سوره نور ۵۷).

یکی از حوادث مهم زندگی هر انسان، وفات دوستان و عزیزان است که قرآن در این باره در آیات متعددی به صبر و شکیبایی دعوت کرده است و صابران را بشارت بهشت می دهد: «و بشر الصابین الذین اذا أصابتهم مصیبة قالوا أنا لله و أنا الیه راجعون . أولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و أولئک هم المهتدون»؛ بشارت ده صابران را، کسانی که هرگاه مصیبتی به آنان می رسد، می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم. اینان کسانی هستند که لطف و رحمت خداوند و درود الهی بر آنان است و آنانند هدایت یافتگان (بقره ۱۵۷). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم نیز می فرماید: «ما من

اظهار سوگواری و ماتم نیز بیش از سه روز برای اموات توسط اقوام و فامیل جایز نیست. فقط زنان برای فوت همسران خود می توانند تا مدت چهار ماه و ده روز عزادار باشند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر أن تحد علی میت فوق ثلاثة أيام الا علی زوجها»<sup>۵۰</sup>؛ زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد برایش جایز نیست بیش از سه روز عزاداری نماید مگر برای فوت همسرش.

#### حیلة اسقاط

در برخی مناطق مرسوم است که پس از مراسم تدفین، اولیای میت به منظور کفارة عبادت‌های انجام نشده فرضی میت از قبیل: نماز، روزه و غیره مبلغی را به عنوان کفارة عبادات به تعدادی از فقرا و مساکین پرداخت می نمایند، به این گمان که با چنین روشی میت از کلیة عبادات فرضی و واجب سبکدوش خواهد شد و در روز جزا از وی حساب و کتابی به عمل نخواهد آمد؛ اما بنابر روش این حیله، مبلغی که به فقرا و مستمندان پرداخت شده است مجدداً به اولیای میت مسترد می گردد و بار دیگر اولیای میت همان مبلغ مسترد شده را به فقرا و مساکین می بخشند و این عمل را تا چندین بار تکرار می کنند تا کفارة کلیة عبادات فرضی میت صورت گیرد؛ چنین روشی را فقهای اسلامی از چند جهت ناجایز و برخلاف شرع می دانند. اولاً: برای اثبات چنین روشی هیچ گونه دلیلی از کتاب الله و یا سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم وجود ندارد و در عهد صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و تابعین نیز چنین روشی مرسوم نبوده است و از این نظر اجرای چنین حیله ای بدعت به حساب می آید.

ثانیاً: فقها ادای کفارة عبادات را برای کسی جایز قرار داده اند که در ادای عبادات فرضی سهل انگاری نموده و در مدت حیات خویش فرصتی برای قضای آنها نیافته و در هنگام مرگ، خود شخصاً وصیت کرده تا پس از مرگ او کفارة عبادات وی را ادا کنند. و وصیت میت در صورتی امکان پذیر است که مبلغ ادای کفارات کمتر از یک سوم ترکه میت باشد. علاوه بر آن شرط مهم و اساسی آنست که در هنگام پرداخت کفاره، چیز پرداخت شده کاملاً در ملکیت طرف مقابل صورت گیرد، در حالی که این شرط در حیلة مذکور اصلاً رعایت نمی شود.

مولانا مفتی محمد شفیع عثمانی (رح)، مفتی اعظم اسبق پاکستان، در این باره می فرماید: حیله هایی که امروزه انجام می پذیرد نه اعطاء کننده گیرنده را مالک تصور می کند و نه گیرنده چنین تصویری دارد که مال در ملکیت او در می آید. بسیاری این حیله را انجام

دهند و از هر گونه بدعت و عملی که دلیلی از قرآن و سنت آن را تأیید نمی کند بر حذر باشند. قطعاً چنین روشی باعث اجر و پاداش خواهد بود و سعادت و رستگاری ابدی را به ارمغان خواهد آورد. به منظور آگاهی بیشتر خوانندگان گرامی برخی از انواع بدعات را ذیلاً مورد بحث قرار خواهیم داد.

#### نوحه خوانی و ماتم

جاری شدن اشک از چشمان و احساس غم و اندوه در هنگام از دست دادن خویشاوندان و دوستان، امری فطری و طبیعی و نشانه محبت و اظهار همدردی با مصیبت دیدگان است. شریعت اسلام نیز این کار را ممنوع نکرده است، چنانکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم در هنگام وفات فرزند عزیزشان فرمود: «ان العین تدمع و القلب یحزن و لا نقول الا ما یرضی ربنا و انا بفراقک یا ابراهیم لمحزونون»<sup>۳۳</sup>؛ چشم اشک می ریزد و دل غمگین است اما ما سخنی جز آنچه پروردگاران را خشنود می نماید اظهار نمی کنیم؛ ای ابراهیم! ما از فراق تو غمگینیم.

استر جاع («انا لله و انا الیه راجعون» گفتن) نیز در حقیقت عبارت است از تسلیم شدن در برابر مشیت و خواست الهی و اذعان به قضای پروردگار، که بندگان خاص و مقرب خداوند در هنگام بروز مصایب و مشکلات در پرتو ایمان به مالکیت مطلقه خداوند و اینکه بازگشت همه موجودات به سوی اوست «انا لله و انا الیه راجعون» را وارد زبان می سازند، چرا که همه این نعمتها و مواهب از آن خداوند است، یکروز می بخشد و روز دیگر مصلحت می بیند و از ما باز پس می گیرد. در هر حال حیات همه انسانها و موجودات جهان هستی فناپذیر است و فقط ذات الهی است که برای همیشه و ابد باقی خواهد ماند: «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الاکرام» (الرحمن: ۲۶-۲۷). لذا هیچگاه نباید اظهار غم و اندوه فراتر از حد طبیعی و حدود شرعی باشد.

بنابر دیدگاه اهل سنت و جماعت نوحه خوانی، بر سر و سینه زدن و سخنان جاهلانه به زبان آوردن به هیچ وجه جایز نیست؛ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لیس منّا من لطم الخدود و شقّ الجیوب و دعا بدعوی الجاهلیة»<sup>۳۴</sup>؛ از ما نیست کسی که بر چهره می زند و گریبان پاره می کند و آواز جاهلانه سر می دهد. بلکه بر اهل و خانواده میت و مصیبت دیده واجب است راه صبر و شکیبایی را پیش گیرند و از دعا و یاد خدا و یادآوری اینکه همه هستی و همه انسانها از آن خدا هستند و بازگشت همه به سوی او تعالی است غافل نشوند.

اجر و پاداش به روح اموات می دانند که در قبال آن هیچ اجر و مزدی دریافت نگردد و فرد قاری با طیب خاطر و با اخلاص و دعا پاداش قرائت خویش را به روح میت ببخشد.

علامه محمود آلوسی، مؤلف تفسیر روح المعانی، (متوفی ۱۱۲۷هـ) می فرماید: «قرائت قرآن باید بدون دریافت اجرت باشد، اما روشی که امروزه بسیاری از مردم آن را انجام می دهند به طوری که حافظان و قاریان قرآن را پول می دهند تا برای امواتشان قرآن بخوانند، با این روش هیچ گونه ثوابی به امواتشان نمی رسد، زیرا گرفتن اجرت در برابر قرائت قرآن اصلاً جایز نیست.

همچنین خواندن قرآن با تعیین قاری در مراسم تعزیه و با انجام تشریفات خاص که در اکثر مناطق مرسوم است نوعی بدعت محسوب می گردد و اجتناب از این گونه مراسم ضروری است»<sup>(۹)</sup>.

### تسلیت و مراسم فاتحه خوانی

تعزیه و تسلیت برای فراخواندن وابستگان میت به صبر و شکیبایی با بیان کلمات و عباراتی است که حزن و آلام آنان را کمتر گرداند، مانند: «أعظم الله أجرکم و أحسن عزاکم و غفر لمیتکم»، خداوند اجر شما را افزون فرماید، عزای شما را به خیر و نیکی تبدیل نماید و میت شما را مغفرت نماید.

تسلیت گفتن به خانواده و خویشاوندان میت تا سه روز پس از فوت (پیش و پس از دفن) جایز و بعد از آن مستحب است. مگر آنکه کسی در مدت سه روز در محل نبوده باشد که برای او پس از سه روز نیز جایز است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: «هر کس به برادر مسلمان خود تسلیت بگوید، خداوند روز قیامت قبای کرامت بر تن او خواهند نمود»<sup>(۱۰)</sup>.

مراسم فاتحه خوانی به گونه ای که اکنون در بسیاری از ممالک مرسوم است و نزدیکان میت در منزل یا مسجد اجتماع نموده و مبالغ هنگفتی را صرف پذیرایی از عزاداران می نمایند، در زمان پیغمبر بزرگوار اسلام و اصحاب و یاران گرامی ایشان مرسوم نبوده است، بلکه در آن زمان مردم قبل و بعد از دفن میت در قبرستان و کوچه و خیابان به نزدیکان میت تسلیت می گفته اند. گرچه رفتن به محل کار یا منزل - چنانچه برای صاحبان عزای ایجاد مشکل و مزاحمت نماید - مانعی ندارد. اما با توجه به امکانات ارتباطی امروزی استفاده از تلفن و فاکس و غیره تا حدود زیادی می تواند این مشکل را حل نماید<sup>(۱۱)</sup>.

### پذیرایی از صاحبان عزای

دعوت از خانواده و نزدیکان میت و پذیرایی از آنها توسط اقوام و همسایگان یا تهیه غذا و بردن آن به منزلشان تا چند روز مستحب

می دهند در حالی که از این غافل اند که با این کار هیچ حقی را از میت ادا نکرده اند؛ با این عمل بیهوده نه به میت پاداش می رسد و نه کفاره و فدیة وی ادا می شود و در حقیقت انجام دهنده این کار مرتکب گناه شده است. چنانکه علامه محمدبن عابدین شامی می فرماید: «یحب الاحتراز من أن یلاحظ الوصی عنه دفع الصرة الفقیر الهزل أو الحيلة، بل یحب أن یدفعها عازماً علی تملیکها منه حقیقة لا تحیلاً». امکان دارد فقها حلیة مذکور را بر اساس قواعد شرعی جایز بدانند اما آنگونه که این روزها به طور مرسوم رواج یافته، کاملاً ناجایز است و مفاسدی را در بر دارد که باید از این روش اجتناب شود<sup>(۱۲)</sup>.

مولانا مفتی کفایت الله دهلوی (رح) نیز می فرماید: حيلة اسقاط به صورت مروج امروزی مشتمل بر انواع خرافات و مکروهات است که علمای حقانی از آن منع می نمایند؛ عبارتی که در «فتاوی سمرقندی» در این باره نقل شده است قابل اعتماد و مستند نیست و بخشی از آن بر اساس روایات جعلی و ساختگی است<sup>(۱۳)</sup>.

### بنا و تزیین قبرها

برخی غافل از آنکه قبر خانه ای ویران و محلی برای عبرت است، به ساخت و ساز قبرها می پردازند و با انواع ناکاری های سنگی و آجری قبر را تبدیل به خانه ای مجلل و دیدنی می نمایند، که این روش از دیدگاه شریعت اسلامی، خصوصاً فقه اهل سنت و جماعت، کاملاً ناجایز است.

حضرت جابر روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از گچکاری، نوشتن و بنا کردن بر قبرها منع فرمودند<sup>(۱۴)</sup>.

مبالغ هنگفتی که صرف ساختن قبرها می شود بیشتر از اموال ورثه و ترکه میت است که کسی حق ندارد مال مشترک دیگران را در راه ناجایز و بدعت صرف نماید، زیرا همه ورثه در این مال سهم دارند و بهتر آنست که به جای این اسراف کاری بی فایده مبلغی با رضایت سایر اولیا به نیابت از میت، به مستمندان و فقرا صدقه شود تا سبب نزول رحمت و غفران الهی بر میت گردد.

### قرآن خوانی بر قبرها

عده ای از افراد سودجو و بیکار نیز با خواندن قرآن در قبرستانها به تکدی گری می پردازند و از این راه ارتزاقی می کنند؛ چنین عملی کاملاً نادرست و حرام است و در واقع مصداق این فرموده خداوند است که می فرماید: «اشترُوا بآیات الله تمناً قليلاً» (توبه ۹۷)؛ آنان آیات خدا را به بهای اندک (کالا و متاع دنیوی) فروخته اند.

علما و فقهای مذاهب اسلامی قرائت قرآن را در صورتی قابل



برادرش عبدالرحمن می رفت، از ایشان در این مورد سؤال شد در پاسخ فرمود: درست است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم ابتدا از زیارت قبور نهی می فرمود، اما بعدها به مردم اجازه دادند تا به خاطر یادآوری موت و آخرت به زیارت قبرستان بروند.

لذا جایز است زنان در اوقات خلوت، همراه با محرم خویش به زیارت قبرستان بروند، اما نباید عمل و حرکت ناجیزی مانند فغان و زاری با صدای بلند، بدحجابی، سخن گفتن با مردگان و حاجت خواستن از آنان انجام دهند که چنین روشی بر خلاف دستورات شریعت اسلام است.

امید است خداوند سبحان ما را از پیروان راستین اسلام بگرداند و از ترویج بدعتها و اعمال خلاف شریعت محفوظ بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



#### پاورقی:

- ۱- نیشابوری، امام مسلم، الجامع الصحيح، ص: ۴۱۷، شماره روایت: ۲۰۱۰، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- ۲- طبرانی، المعجم الكبير، ج ۷، ص: ۱۶۷، شماره روایت: ۶۷۱۹ (و اسناد حسن)، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ.
- ۳- بخاری، الجامع الصحيح، ج ۱، ص: ۳۹۶، شماره روایت: ۱۳۰۳، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ هـ.
- ۴- همان مرجع، ج ۱، ص: ۳۹۳، شماره روایت: ۱۲۹۴.
- ۵- نیشابوری، امام مسلم، الجامع الصحيح، ص: ۷۱۸، شماره روایت: ۱۴۹۰، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- ۶- محمد شفیع عثمانی، جواهر الفقه، ج ۱، ص: ۳۸۷، مکتبة دارالعلوم کراچی. محمود الفتاوی ج ۱، ص: ۳۱۹، تألیف مفتی خدانظر، انتشارات صدیقی.
- ۷- دهلوی، مفتی محمد کفایت الله، کفایة المفتی، ج ۴، ص: ۱۳۳، دارالاشاعت کراچی - پاکستان ۲۰۰۱ م.
- ۸- ر. ک. ترمذی، الجامع الصحيح، ج ۳، ص: ۳۶۸، شماره روایت: ۱۰۵۲، دارالکتب العلمیة.
- ۹- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی، ج ۱۵، ص: ۱۰۲، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ.
- ۱۰- قزوینی، ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص: ۲۶۸، شماره روایت: ۱۶۰۱، دارالمعرفة، ۱۴۱۶ هـ.
- ۱۱- الجزیری، ابوبکر، کلیات اسلام، ص: ۳۰۱، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۲- سیواسی، محمد بن عبدالواحد، شرح فتح القدير، ج ۲، ص: ۱۵۱، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ هـ.
- ۱۳- ترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، ص: ۳۷۱، شماره روایت: ۱۰۵۶، دارالکتب العلمیة، بیروت - لبنان.

است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «برای خانواده متوفی غذا تهیه کنید چون حالتشان آنان را از این کار بازمی دارد.» اما اینکه دیگران انتظار داشته باشند که خانواده میت به تهیه غذا برای آنان پردازند کاری ناشایست، غیر اخلاقی و ناروا است و مصیبت آنان را چند برابر می نماید. از دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت و جماعت برگزاری مراسم پذیرایی از تعزیه کنندگان مکروه و تحریمی، گناه و بدعت به حساب می آید.

علامه کمال الدین محمد بن عبدالواحد معروف به ابن همام (متوفی ۵۶۸ هـ) در این باره می فرماید: «و یکره اتخاذ ضیافة من الطعام من اهل الميت لانه شرع فی السرور لافى السرور و هی بدعة مستقبحة لما روی الامام احمد و ابن ماجه باسناد صحیح عن جریر بن عبد الله، قال: کنا نعد الاجتماع الی اهل الميت و صنعهم الطعام من النیاحة»<sup>(۱۲)</sup>؛ ضیافت غذا از طرف اهل میت مکروه است زیرا ضیافت و پذیرایی برای اوقات خوشحالی مشروع شده اند نه برای اوقات غم و مصیبت! و این روش بدعت زشتی است. امام احمد و ابن ماجه با سند صحیح از جریر بن عبدالله روایت کرده اند که می فرماید: ما اصحاب پیامبر گرد آمدن نزد اهل میت و آماده کردن غذا را از طرف آنان نوحه می شمردیم.

از دیدگاه عقل نیز چنین روشی محکوم است زیرا اگر بنا باشد اولیای میت برای درگذشت هر خویشاوندی مراسم برگزار کنند باید در تمام سال و همه عمر شان مراسم عزاداری برگزار کنند و مبالغ هنگفتی را برای پذیرایی از میهمانان اختصاص دهند که این روش باعث افسردگی روحی و ورشکستگی مالی خواهد شد. از دیدگاه شریعت اسلامی مردم می توانند تا سه روز و بدون تکلیف و اجتناب از هر گونه پذیرایی و تشریفات با الفاظی ساده به اولیای میت تعزیه بگویند و آنان را به صبر و شکیبایی و طلب اجر و پاداش از خداوند ترغیب نمایند؛ برگزاری مراسم چهلم و یا سالگرد و روشن کردن شمع و غیره هیچ گونه مشروعیتی در دین مبین اسلام ندارد و به تقلید از مسیحیان و پیروان سایر ادیان ترویج یافته اند که باید از آن اجتناب کرد.

#### زنان و زیارت قبرستان

فقهای اسلامی رفت و آمد بیش از حد زنان را به قبرستان مکروه می دانند؛ در روایت آمده است: «لعن رسول الله صلی الله علیه و سلم زوارات القبور»<sup>(۱۳)</sup>؛ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم زنانی را که زیاد به قبرستان رفت و آمد می کنند لعنت فرمودند.

اما اگر رفت و آمد اندک و به خاطر عبرت باشد اشکالی ندارد؛ روایت شده که گاه حضرت عایشه رضی الله عنها به زیارت قبر